

تأثیرات مادی و معنوی «فیروزه» از منظر روایات و چرایی آن*

کجه مهدی بیات مختاری^۱

چکیده

جُستار حاضر که از تتبع در میراث روایی، فراهم آمده، حاوی دو نکته‌ی بنیادین است: نخست این که در روایات برای سنگِ فیروزه که بهترین آن در نیشابور خراسان وجود دارد، تأثیرات طبیعی و معنوی، ذکر شده است؛ از جمله: اجابت نیایش و نماز، سعه‌ی صدر، تقویت اراده، پیروزی، فرزند دار شدن، زاینده‌ی فقر، ایمن‌کننده‌ی سفر، دلگشایی و دورکننده‌ی دردها از چشم. نکته‌ی دوم این که در چرایی آثار مذکور، راقم سطور بر اساس آموزه‌های قرآنی - روایی، پای فشرده که همه‌ی موجودات و از جمله «فیروزه»، دارای حیات و معرفت‌اند و «ذکر» و «تسبیح»، از رهگذر تجلی خداوند، فعل و کارکرد آن‌ها بشمار می‌آید. از این رهگذر، همان‌گونه که شفاعت انسان مآذون، مستجاب است، گُنش‌های «فیروزه» هم، در همان عداد، قابل تحلیل است. سنگ‌شناسان هم از دیرباز، به خواص درمانی سنگ‌ها و جواهرات، از جمله «فیروزه»، توجه داشته و در طب، از آن بهره می‌برده‌اند. دریافت‌های آنان، پاره‌ای، ره آورد پیشوایان مرتبط با عالم غیب و برخی مولود تجربه‌ی بشراند.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، حیات معادن و سنگ‌ها، تأثیرات فیروزه.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۸

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث و دانشیار دانشگاه نیشابور،

۱. تبیین مسأله‌ی پژوهش

گرچه سنگ‌هایی بسیار در جهان وجود دارد، اما تعداد اندکی از آن‌ها، قیمتی و از ارزش بالایی برخوردارند. از سویی، استفاده از سنگ‌های گران‌بها به اندازه تاریخ پیدایش انسان، پیشینه دارد. شواهد تاریخی، حاوی این است که ملل جهان از سده‌های پیش، سنگ‌های ارزشمند را به خوبی شناخته و دانشمندان به تقسیم‌بندی آن پرداخته‌اند. در چرایی توجه به سنگ‌های گرانمایه، تأثیرات نهفته و رازآلود آن‌ها، مدّ نظر بوده که از همین رهگذر، ارزش مادی آن‌ها را نیز به دنبال داشته است. در این بین، «فیروزه» یکی از گران‌ترین سنگ‌ها و جواهرات به شمار می‌رود.

واژه‌ی «فیروزه»، فارسی اصیل است که همانند یاقوت و بلور، معرّب شده و به صورت «فَیْرُوزَج» درآمده است. (زرکشی، ۱۴۲۱: ۵۳۱/۱) دهخدا در ارتباط با آن، نوشته است: «یکی از سنگ‌های آذرین که ترکیب آن عبارت از فسفات هیدراته آلومینیوم طبیعی است و سختی آن مساوی شیشه یعنی برابر با شش است. فیروزه به مناسبت رنگ آبی درخشانی که دارد، در شمار سنگ‌های گران‌بها شناخته می‌شود. همیشه بی‌شکل است و در حالت طبیعی رگه‌های قهوه‌ای یا سفید مشاهده می‌شود. معمولاً رنگش در برابر رطوبت یا خشکی هوا و در ارتفاعات تغییر می‌کند. رنگ‌های آن‌ها غالباً آبی یا مایل به سبز یا سبز زیتونی و سبز مایل به زرد است و به آن حجر الظفر، حجر الغلبه، حجر العین و حجر الجاه نیز گویند.» (دهخدا، ذیل ماده «فیروزه») همان‌گونه که دهخدا به اجمال اشاره کرد، فیروزه دارای ترکیب فسفاتی و از عناصری مانند مس، آهن و آلومینیوم تشکیل می‌شود، و به این صورت است که آب یا محلول اسیدی، آن مواد معدنی را در خود حلّ می‌کند و محلول در رگه‌ی سنگ‌های میزبان جمع می‌شوند و اگر شرایط ترمودینامیکی و گرما مهیا باشد، در طی زمانی طولانی، فیروزه تشکیل می‌شود. بی‌تردید، مرغوب‌ترین نوع فیروزه، دارای رنگ آبی آسمانی و مخصوص ایران و در محلی موسوم به «معدن» در شهر «فیروزه» خراسان وجود دارد و توانسته به کمک زیبایی بی‌نظیر خود، بلندآوازه شود؛ به نحوی که قرن‌ها قبل، از سوی زمخشری (م ۵۳۸ق)، نماد آن سرزمین، شناسانده شده است. (زمخشری، ۱۴۱۲: ۲۶۴/۱)

دوّمین منبع دین‌شناسی، پس از قرآن، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است و بیشترین سهم را در تبیین معارف دین، بیانِ وظایف فردی و اجتماعی به خود اختصاص داده و در اساس برای پاسخ صحیح به بسیاری از پرسش‌ها و موضوعات گوناگون، راهی جز تمسک به آن نیست. به گواهی تاریخ، بسیاری از علوم اسلامی، چون کلام، فقه، تاریخ، رجال و... در دل احادیث، شکل گرفته‌اند، و هر یک از آن‌ها پس از تطوّر و گسترش دامنه، به دانشی مستقل تبدیل شده‌اند.

شناخت خواصّ معنوی سنگ‌ها نیز همانند سایر علوم اسلامی، ریشه در سنت و اخبار دارد. احادیث، به دو نحوه به سنگ‌های قیمتی پرداخته‌اند؛ گاهی به یک مجموعه اشاره می‌کند؛ به عنوان نمونه، امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه **﴿وَأَنْبِئْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ﴾** (حجر/۱۹)؛ «و از هر چیزی که دارای وزن است در زمین رویانندیم»، فرموده‌اند: «خداوند متعال در کوه‌ها: طلا، نقره، سنگ‌های قیمتی، برنج، مس، آهن، سُرَب، گوگرد، سنگ سُرْمه و زرنیخ و امثال آن‌ها که با وزن معامله می‌شوند، رویاننده و ایجاد کرده است.» (قمی، ۱۳۶۳: ۳۷۴/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۴: ۳۳۶/۳؛ عروسی حویزی، ۱۳۷۰: ۶/۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۰۴/۳) این گفتار امام باقر علیه‌السلام، حاوی ارزشمند بودن طلا، نقره... و سنگ‌های قیمتی همچون فیروزه و عقیق است.

اما گاهی اخبار، به طور ویژه متمرکز بر یک سنگ قیمتی مثل فیروزه می‌شود. اخبار و سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام، در فواید، کُنش‌ها و تأثیرات «فیروزه»، فی الجمله زیادند که در این مقاله در فصل نخست، به گزارش هشت مورد آن پرداخته می‌شود و در فصل دوّم چرایی آن تأثیرات و فواید، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده با بررسی گسترده در کتب و مقالات تاکنون، موردی را که به این موضوع پرداخته باشد، نیافته است.

۲. تأثیرات مادی و معنوی فیروزه

۲-۱. اجابت نیایش و نماز

در قرآن کریم، که مجموعه‌ی دستور العمل‌های زندگی سعادت‌مندانه است، درباره‌ی خمس، یک آیه، درباره‌ی روزه، سیزده آیه، درباره‌ی حج، هجده آیه و درباره‌ی زکات، ۲۳ آیه آمده است اما درباره‌ی نماز، بیش از ۱۲۲ آیه، نازل شده که طی آن مسایل مهمّ نماز مطرح گردیده است. (صادقی اردستانی، ۱۳۷۴: ۱۲) در نماز، افزون بر واجبات یازده گانه

و مقدمات و مقارنات، برخی مستحبات، از جمله داشتن انگشتر، مورد تأکید قرار گرفته است. در حدیث قدسی، امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایشان از خداوند سبحان، نقل کرده‌اند: «من آزرَم دارم از این که بنده‌ای با داشتن انگشتر فیروزه، دست به دعا بلند کند، آن را اجابت نکنم.» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۰/۲؛ همو، ۱۳۸۴: ۱۶۳؛ همو، ۱۴۱۴: ۹۵/۵؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳/۳۰۰)؛ مفضل بن عمر نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند: «هرکس پی کاری رود و انگشتر فیروزه در دست کند، حاجتش برآورده شده است.» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۱/۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۹: ۱۱۴؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۷۷/۱۷)؛ از رهگذر اخبار مذکور، بسیاری از فقهاء و معلّمان اخلاق و عرفان، حکم به استحباب انگشت کردن فیروزه در هنگام نیایش و نماز کرده و مؤثر در پذیرش آن، دانسته‌اند. (کفعمی، ۱۴۰۳: ۷۶۴؛ سیدبن طاوس، بی تا: ۱۱۷؛ حلی، بی تا: ۳۵۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۰/۲؛ کاشف الغطاء، ۱۳۸۰: ۴۴/۳ و ۵۱۰) میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می نویسد: «از استاد خود در نجف، از عوامل تأثیرگذار در قرب الی الله پرسش کردم، وی سجده‌ی طولانی با تکرار ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء/۸۷)؛ «معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم» و انگشتر فیروزه و یا عقیق به دست کردن را برشمرد.» (ملکی تبریزی، ۱۴۱۶: ۲۰۲)

۲-۲. تقویت اراده

بی تردید، مصمم بودن، بسیاری از کمبودها را جبران و جسم‌های ناتوان را توانمند می‌سازد و در پرتو آن، رسیدن به کمالات والا و رهایی از اسارت‌ها، تحقق می‌یابد. به عکس، اراده‌ی ضعیف، سبب می‌شود که انسان، تابع امیال و اسیر جاذبه‌های بیرونی و در نتیجه دستخوش کاستی شود. در اخبار، انگشتر فیروزه، عامل تقویت اراده شمرده شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «وَهُوَ يَزِيدُ فِي قُوَّةِ الْقَلْبِ» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۱/۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۹: ۱۱۴؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۷۷/۱۷)؛ «انگشتر فیروزه، عامل تقویت و توان قلبی است.» داوود بن عمر انطاکی (م ۱۰۰۸ق)، فیلسوف و قرآن‌پژوه، با گزاره‌ی: «وَأَنَّ حَمَلَةَ يَتَّقِي الْقَلْبَ» (انطاکی، بی تا: ۲۵۳/۱)، بر محتوای سخن امام صادق علیه السلام تأکید می‌کند.

آقای شوfer برگر، سنگ‌شناس مغرب‌زمینی، می‌نویسد: «فیروزه، در برابر افسردگی‌ها،

مفید و قلب را تقویت می‌کند. به خاطر درخشش آن، شادی آور و اثری سودمند بر کمبود اکسیژن و استرس دارد. باعث نشاط افراد افسرده می‌شود و به آن‌ها نیروی لازم برای به انجام رساندن کارهای سخت را با ظرفیت و چابکی منتقل می‌کند. باعث اعتماد به نفس می‌شود و جرأت لازم و اطمینان خاطر برای بیان استدلال‌هایمان در کنفرانس‌ها در ما ایجاد می‌کند. ارتعاشات منفی، مضر و آشفته را از ما دور و جذب‌کننده نیروهای مثبت است. (شوفر برگر، ۱۳۸۸: ۹۵) سنگ‌شناسی دیگر نگاشته است: «استفاده از فیروزه، به قلب آرامش می‌دهد، خوف و وحشت را از آدمی دور می‌سازد.» (رضائیان عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

۲-۳. سعه‌ی صدر

«سعه» در لغت، به معنای قدرت و «صدر» به معنای سینه است. اصطلاح دیگری که به همان معناست، «شرح صدر» است؛ «شرح» در لغت، به معنای گستردگی آمده و «شرح صدر» به معنای گشادگی در سینه است. (مصطفی، ۱۴۲۶: ۴۷۷، ۱۰۳۱) اما در اصطلاح، سعه و شرح صدر، کنایه از توانمندی روحی و مدارای زیاد و توان بیشتر در درک مطالب و تحمّل سختی‌ها و مشکلات است. بی‌تردید، ذکر خدا، عقل‌مداری و آینده‌نگری، آن را تقویت می‌کند. امام صادق علیه السلام با عبارت «وَهُوَ يُوسِّعُ الصَّدْرَ» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۱/۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۹: ۱۱۴؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۱۷/۷۷؛ «انگشتر فیروزه، سینه را توسعه می‌بخشد»، بر تأثیر انگشتر فیروزه در «سعه و شرح صدر» نیز تأکید کرده است.

۲-۴. حفاظت در سفر و حضر

از دیدگاه قرآن و روایات، مسافرت و گردشگری اهمیت خاصی دارد و یکی از روش‌های کسب دانش و معارف الهی و شناخت سرگذشت پیشینیان قلمداد می‌شود. آیاتی مانند: «قُلْ سَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل/ ۶۹)؛ «بگو در روی زمین گردش کنید و سپس بنگرید که عاقبت و سرانجام گنهکاران چگونه بوده است.» و «قُلْ سَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ...» (عنکبوت/ ۲۰)؛ «بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که خداوند چگونه آفرینش را به وجود آورده است.»، حاوی این نکته هستند. اسلام در کنار تشویق به مسافرت برای اهداف مشروع و معقول، آداب زیادی را نیز مانند انگشتر داشتن، برای حفاظت گوشزد کرده است.

ابومحمّد قاسم بن علاء که از صحابیان امامان هادی و عسکری علیهما السلام و از وکیلان والامقام و ثقة امام عصر علیه السلام بوده (سید بن طاوس، ۱۳۶۳: ۲۴۴)، نقل کرده است: «یکی از خادمان امام هادی علیه السلام از آن حضرت جهت زیارت امام رضا علیه السلام، اجازه سفر به سرزمین طوس گرفت... حضرت به وی فرمودند: انگشتی دیگر، با نگین «فیروزه»، همراهت باشد که در بین طوس و نیشابور، شیری، قافله را تهدید و از راه رفتن باز می‌دارد، پیش آن رفته و انگشتر را نشان ده و بگو: مولایم گوید از ما فاصله گیر. نقش رُوی انگشتر، «اللّٰهُ الْمَلِکُ» و سمت دیگر آن «الْمَلِکُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» باشد. روی انگشتر امام علی علیه السلام، «اللّٰهُ الْمَلِکُ» بود که پس از رسیدن به مقام خلافت «الْمَلِکُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»، بر آن نقش بست. نگین آن فیروزه بود که سپری در برابر درندگان است. خادم گوید: در مسافرت، پس از رخداد آن حادثه، طبق دستور امام عمل کردم.» (سید بن طاوس، ۱۴۰۹: ۴۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۲۸؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۱۶/۴۳۴)

حرعاملی، کاشف الغطاء، نجفی جواهری، یزدی، تبریزی و برخی دیگر از فقهاء بزرگ مکتب امامت، با تمسک به حدیث فوق و در جایگاه فتوا، همراه داشتن انگشتر فیروزه با ویژگی‌های بالا را در شمار مستحبات مسافرت برای در امان بودن، دانسته‌اند. (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۵/۱۰۴؛ کاشف الغطاء، ۱۳۸۰: ۳/۴۴؛ نجفی جواهری، ۱۳۶۷: ۱۸/۱۶۳؛ همو، ۱۳۱۸: ۹۹؛ یزدی، ۱۴۲۰: ۴/۳۳۱؛ تبریزی، ۱۴۲۳: ۱/۱۶)

داوود بن عمر أنطاکی، پزشک و قرآن‌پژوه نیز با عبارت: «أَنَّ صَاحِبَهُ لَا يَمُوتُ غَرِيقًا وَلَا بِالصَّاعِقَةِ... وَيَمْنَعُ الْخَوْفَ (انطاکی، بی تا: ۲۵۳/۱)، بازدارندگی از غرق شدن، صاعقه و ترس را از آثار فیروزه برشمرده است. شوفر برگر نیز می‌نویسد: «فیروزه، سنگی توانمند و حامی به شمار می‌رود و اسب و سوارکار را از سقوط ناگهانی در امان نگه می‌دارد. همچنین در زمان مسافرت، از شخص حمایت می‌کند و طلسم اعضای کارکنان هواپیمایی است. (شوفر برگر، ۱۳۸۸: ۹۴) نویسنده‌ی دیگر نگاشته است: «استفاده از انگشتر فیروزه، وحشت را از آدمی دور می‌سازد، از برق‌گرفتگی، غرق شدن، نیش جانوران مَودِی و گزنده، نظر بد و کشته شدن، در امان نگه می‌دارد. برای زن حامله محافظ است.» (رضائیان عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

۲-۵. پیروزی بر دشمن

این که همراه داشتن «فیروزه»، عامل پیروزی بر دشمن است، دارای مستندات روایی، تاریخی و تجربی فراوانی است و به علاوه یکی از اسامی «فیروزه»، «پیروزه» است.

۲-۵-۱. روایات

عبد الله بن عباس با عبارت: «تصریح می کند، امام علی علیه السلام چهار انگشتر در دست داشتند: یاقوت برای شرافت، فیروزه برای پیروزی، آهن چینی برای توانمندی و عقیق برای نگهبانی.» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۶۸۶/۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۸۷/۳؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۸۶؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳۰۱/۳)

شیخ صدوق، با سلسله سندی متفاوت، حدیث مذکور را نقل کرده و نقش انگشتر فیروزه را «اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ» گزارش کرده است. (صدوق، ۱۳۶۳: ۱۹۹؛ همو، ۱۳۸۵: ۱۵۷/۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۹۸/۵؛ همو، ۱۴۱۲: ۱۴۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۴۲؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۷۹۵/۱۶؛ نمازی، ۱۴۱۹: ۱۹/۳؛ حسینی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۲۰۲/۱؛ قبانجی، ۱۴۲۱: ۴۵۱/۵) اما این بطریق می نویسد: «بر نگین انگشتر فیروزه امام علی علیه السلام، که در عرصه‌ی جنگ به کار می برد، جمله‌ی «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» نقش بسته بود.» (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۳۱)

کلینی با سلسله سند از حسن بن علی بن مهران نقل کرده است: «بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم که در دستش انگشتری با نگین فیروزه و نقش «اللَّهُ الْمَلِكُ» بود، بسیار به آن توجه کردم، به درجه‌ای که امام از چرایی آن سؤال نمودند. گفتم: روایتی به من رسیده که امام علی علیه السلام انگشتری با این مشخصات داشته است. فرمودند: آن را می شناسی؟ گفتم: نه. فرمودند: این همان انگشتر است. سنگ این انگشتر را جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آورد، وی سپس آن را به امیر مؤمنان علیه السلام بخشید [سپس به امامان دیگر منتقل شد]. گفت: آیا نام آن را می دانی؟ گفتم: «فیروزج / فیروزه». امام فرمود: این نام فارسی آن است. نام عربی آن چیست؟ گفتم: نمی دانم. فرمود: به عربی «ظفر» نامند.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۷۲/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۴: ۷۷۱/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰/۴۲؛ همو، ۱۳۶۸: ۳۶۰/۲۲)؛ محمّدتقی مجلسی، سند حدیث را قوی دانسته است. (مجلسی اول، بی تا:

۶۴۶/۷) شیخ صدوق با سلسله سندی متفاوت، حدیث مذکور را از علی بن مهزیار از امام کاظم علیه السلام، گزارش کرده است. (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۷۵؛ حرعاملی، ۱۳۱۴: ۹۴/۵؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۸۹؛ نوری، ۱۴۰۸: ۳۰۰/۳)

امام هادی علیه السلام نیز با عبارت «و ظفرٌ فی الحروب» (سید بن طاوس، ۱۴۰۹: ۴۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۲۸؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۱۶/۴۳۴)؛ «فیروزه عامل پیروزی در جنگ هاست» بر این حقیقت تأکید کرده است. پاره‌ای از فقهاء نیز با استفاده از روایات، بر آن حقیقت پای فشرده‌اند. (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۸/۱۶۳)

۲-۵-۲. شواهد تاریخی

- ذیل آیه‌ی: ﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...﴾ (بقره/۲۵۱)؛ «پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، و داوود، جالوت را کشت» آمده است: داود پسر «ایشا» که کوچک‌ترین برادران خود بود و اشتغال به چرانیدن گوسفندان داشت، در مسیر ملحق شدن به سپاه طالوت برای مقابله با «جالوت»، درحالی که همراهش فلاخنی بود، سه سنگ فیروزه را برداشت و در انبان خود گذاشت. وقتی در مقابل جالوت ایستاد، مورد تحقیر وی قرار گرفت، اما او یکی از آن سه سنگ را به طرف راست سپاه و دیگری را در جناح چپ لشکر وی انداخت و سنگ سوم را به پیشانی او زد که مرده‌اش به زمین افتاد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۶۲۰؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲/۲۵۱؛ جعفری، ۱۳۵۲: ۸/۸۷)

رُكْنُ الدَّوْلَةِ دِيْلَمِي، (۲۸۶-۳۶۶ق)، که به همراه دو برادرش، مؤسس سلسله‌ی آل بویه هستند، در یکی از جنگ‌ها از رهگذر مشکلات پدیدآمده، نا امید و تحملش رو به پایان بود. وزیرش، «ابن عمید، وی را به توکل بر خدا و دادن صدقه دعوت و وعده‌ی نزدیک بودن پیروزی را داد. رکن الدوله در عالم رؤیا می‌بیند که سوار اسبش به نام «فیروز» شده و به‌علاوه انگشتر «فیروزه‌ای» بر زمین افتاده را در انگشت خود قرار می‌دهد و انهزام دشمن را می‌نگرد. وی پس از بیداری، تقالاً به پیروزی می‌زند. ابن عمید می‌گوید: پس از نقل خواب، خبر پیروزی به ما رسید و به لشکرگاه دشمن رفتیم، درحالی که وی سوار بر اسب فیروز بود، انگشتر فیروزه‌ای مشاهده و در دست خود قرار داد و گفت: این همان است که ساعتی پیش در خواب دیده بودم. (مسکویه رازی، ۱۳۷۹: ۶/۱۷۵؛ دمیری، ۱۴۲۴: ۱/۴۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۸/۴۸۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۲: ۲/۱۱۸)

۲-۵-۳. متخصصان و معبران

ابن سیرین از تابعان و معبران، با عبارت: «وَأَمَّا الْفَيْرُوْزُ فَهُوَ فَتْحٌ وَ نَصْرٌ وَ إِقْبَالٌ» (ابن سیرین، ۱۳۵۹: ۱۵۸/۲)، رؤیای فیروزه را، بیانگر فتح و پیروزی و خوش‌شانسی دانسته است. عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (۱۱۴۳-۱۰۵۰)، فقیه و از مشایخ عرفان نیز بر همان تعبیر و ساختار کلامی تأکید کرده است. (نابلسی، ۱۳۵۹: ۱۷۴/۲) خلیل بن شاهین ظاهری (قرن ۹) که معتقد است، کتابش، اقتباس یافته از «التقسیم» منسوب به امام صادق علیه السلام است، با گزاره: «فإنه يدل على الظفر و الدولة و حصول المراد و قهر الأعداء» (ظاهری، ۱۳۵۹: ۳۱۴/۲): رؤیای فیروزه را حاوی پیروزی، رفاه، رسیدن به هدف و شکست دشمن می‌داند. سنگ‌شناسی نیز نوشته است: «استفاده از انگشتر فیروزه، دشمنان را دور و آدمی را بر آنها غالب می‌سازد.» (رضائیان عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

۲-۶. فرزند دار شدن

داشتن فرزند، برکات زیادی مانند آرامش، تحکیم و کارآمدی خانواده دارد؛ به‌عکس، ناباروری باعث تزلزل خانواده و پدیده‌ی نامیمون طلاق می‌شود و دست‌کم در ده‌درصد از زوج‌ها دیده می‌شود و علل آن می‌تواند مربوط به زن یا مرد یا هر دو باشد. برخی از روایات، «انگشتر فیروزه» را عامل مؤثر در دفع و رفع ناباروری می‌دانند؛ چنان‌که شیخ طوسی با سندی معتبر از علی بن محمد بن زیاد صیمری کاتب که جزء صحابیان ثقه‌ی امامان هادی و عسکری علیه السلام است، (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۲۴/۱؛ مفید، ۱۴۱۴: ۳۶۶/۲) نقل کرده است: «با دختر جعفر بن محمود کاتب ازدواج کردم و هیچ‌کس را همانند وی دوست نداشتم، اما پس از زمان طولانی فرزندی نزیاید، لذا نزد امام هادی علیه السلام رفتم و مشکل را در میان گذاشتم، ایشان دستور دادند: انگشتری با نگین فیروزه‌ای که در آن، آیه‌ی «رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (انبیاء/۸۹)؛ «پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث‌برندگانی» نقش بسته باشد، انتخاب کن. من این دستور را عمل کردم و پس از یک‌سال، خداوند پسری به من داد.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۳/۹۲ و ۷۸/۱۰۱) از این رهگذر، برخی از فقهای شیعه، حکم به استحباب انگشتر فیروزه، برای مطالبه مذکور، کرده‌اند. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۰: ۴۴/۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۰/۲)

۲-۷. زداینده‌ی فقر

بدون تردید فقر در بین مسائل اجتماعی و اقتصادی از زمره‌ی مهم‌ترین معضلات جامعه و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان است که آثار ناهنجار مادی و معنوی به دنبال دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳)؛ «فقر، مرگ بزرگ است» و «الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفِطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ» (همان، حکمت ۳)؛ «فقیر از بیان دلیلش عاجز است» و «الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يَسْمَعُ كَلَامَهُ وَلَا يُعْرِفُ مَقَامَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹ / ۴۷)؛ «فقیر در چشم مردم بی‌مقدار است؛ نه سخنش شنیده می‌شود و نه جایگاهش شناخته می‌شود.» برای حلّ مشکل فقر، بی‌تردید خردورزی و اجرای قواعد علمی، برنامه‌ریزی و تلاش، گام‌های بنیادین است.

در کنار آن عوامل طبیعی، برخی روایات، انگشتر فیروزه را نیز دافع و رافع فقر می‌دانند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ تَخَتَّمَ بِالْفَيْزُورِجِ لَمْ يَفْتَقِرْ كَفَّهُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۶/۴۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۴: ۲۰/۷۷۱؛ مجلسی اول، بی‌تا: ۷/۶۴۷؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۵/۹۴؛ همو، ۱۴۱۲: ۲/۱۴۰؛ مجلسی، ۱۳۶۸: ۲۲/۳۶۰)؛ «دستی که انگشتر فیروزه داشته باشد، نیازمند نخواهد شد.» محمدتقی مجلسی، سند حدیث را قوی دانسته است. (مجلسی اول، بی‌تا: ۷/۶۴۷) شیخ صدوق با سند و عبارت متفاوت، سخن امام صادق علیه السلام را چنین نقل کرده است: «مَا افْتَقَرْتُ كَفُّ تَخَتَّمْتُ بِالْفَيْزُورِجِ» (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۷۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴: ۵/۹۴؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۸۹)؛ «فقیر نخواهد شد دستی که انگشتر فیروزه دارد.» برخی از فقهاء نیز به مضمون حدیث فتوا داده‌اند. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۰: ۳/۴۴) یکی از صاحب‌نظران در حوزه‌ی سنگ‌ها، می‌نویسد: «اول ماه جدید، زمانی که به ماه نگاه کردید، به «فیروزه» بنگرید که برکت و دولت برای شخص آورده و او را بی‌نیاز می‌نماید.» (رضائیان عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

۲-۸. عفت چشم و تقویت کننده‌ی آن

مفضل بن عمر که از صحابیان ثقه، صاحب راز، فقیه و صالح امام صادق علیه السلام شمرده شده (مفید، ۱۴۱۴: ۲/۲۱۶؛ شوشتری، ۱۴۲۸: ۱۰/۲۱۵)، نقل کرده که امام صادق علیه السلام به وی که انگشتر «فیروزه» در دست داشته، فرموده است: «ای مفضل، فیروزه، سبب پاکی و پیراستگی دیدگان مردان و زنان مؤمن می‌شود و من دوست دارم که همه مؤمنان، انگشتر

فیروزه به دست کنند که آن، مقوی چشم است.» (ابن طائوس، ۱۴۱۹: ۱۱۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۲: ۱۴۱/۲؛ بروجردی، ۱۳۶۸: ۷۷/۱۷) واژگان نزاهت و تقویت بصر، ممکن است معنای مادی آن مطمع نظر باشد و یا معنای معنوی که تقویت بصیرت و دوری از گناه است.

شوفر برگر می‌نویسد: «فیروزه، چشم‌ها را نیرو می‌بخشد و برای بیماری‌های چشم و اصلاح گردش خون موثر است.» (شوفر برگر، ۱۳۸۸: ۹۵) رضائیان نیز نگاشته است: «استفاده از سرمه‌ی فیروزه، برای چشم‌ها بسیار مفید بوده و آن را تقویت می‌نماید. کسانی که در شب، دید خود را از دست می‌دهند، استفاده از سرمه‌ی فیروزه، آنان را درمان می‌کند. اگر مردمک، سفید شده و یا هر مورد دیگری در چشم باشد، آن را درمان می‌کند.» (رضائیان عطار، ۱۳۸۹: ۶۶)

۳. چرایی تأثیرات مادی و معنوی سنگ فیروزه

چرایی گُش‌های هشت گانه سنگ فیروزه، مبتنی بر دو اصل است: ۱. حیات و آگاهی جمادات؛ ۲. دعا و نیایش جمادات.

۳-۱. حیات و آگاهی جمادات

برای اثبات تسبیح و نیایش جمادات و از جمله سنگ فیروزه، در مرحله‌ی نخست، باید برای آن‌ها، اثبات آگاهی کرد؛ زیرا مُسَبِّح و شَفِیع، به کسی اطلاق می‌شود که تسبیح شونده و مشفوع‌منه را بشناسد. تحقّق «علم» برای جمادات و معادن را می‌توان از آیات بسیاری، مانند آیات ذیل اثبات نمود:

﴿... فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ (فصلت/۱۱)؛ «پس به آسمان و به زمین فرمود: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمان‌پذیر آمدیم.»

﴿قَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (فصلت/۲۱)؛ «و آنان به پوست خود می‌گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ می‌گویند: همان خدایی که همه چیز را ناطق ساخته ما را به سخن درآورده است»

﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا. أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَ لَدًّا﴾ (مریم/۹۰-۹۱)؛ «نزدیک است آسمان‌ها از این سخن پاره‌پاره شوند و زمین بشکافتد

و کوه‌ها به شدت فروریزند و نابود شوند، از این که برای خدای رحمان فرزندی خواندند.»
 ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً... وَإِنَّ مِنْهَا لَمَّا يَلْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾ (بقره/۷۴)؛ «سپس دل‌های شما بعد از این واقعه سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت‌تر از آن... و برخی از سنگها از بیم خدا فرو می‌ریزد.»

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾ (حشر/۲۱)؛ «اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم، یقیناً آن کوه را از بیم خدا فروتن و از هم پاشیده می‌دید.»

این آیات، حاوی وجود آگاهی در تمامی موجودات و از جمله جمادات است، به درجه‌ای که نسبت فرزندداشتگی خداوند را باعث ایجاد وحشت عمیق در هستی، تلقی کرده و آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها را در معرض متلاشی شدن از آن افترا، می‌داند.

تحقق «علم» برای جمادات و از جمله فیروزه را، می‌توان با استناد به روایات متعدّد مأثور از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز اثبات کرد:

امیر المؤمنین علیؑ فرموده‌اند: «كُنْتُ أُخْرَجُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى أَسْفَلِ مَكَّةَ وَأَشْجَارُهَا فَلَا يَمُرُّ بِحَجْرٍ وَلَا شَجَرٍ إِلَّا قَالَتْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَأَنَا أَسْمَعُ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱/۷۹؛ مشغری العاملی، بی‌تا: ۹۵؛ حلی، ۱۴۰۸: ۳۴۰)؛ «همراه پیامبر ﷺ به اطراف مکه رفتیم و به هر سنگ و گیاهی که مواجه شدیم، به ایشان سلام کردند، به گونه‌ای که من می‌شنیدم.»

امام سجّاد علیؑ و بسیاری از صحابه، مانند جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، امّ سلمه، ابن عبّاس و ابی بن کعب، انس بن مالک و بُریده بن حُصیب اسلمی که از صحابیان ثقه، شمرده می‌شوند، به گونه‌ی متواتر، روایت کرده‌اند: «رسول خدا ﷺ وقتی در مدینه به خطبه می‌ایستاد، به یکی از تنه‌های درخت خرما تکیه می‌کرد، و چون به خاطر فراوانی جمعیت، برایش منبر ساختند و برای اولین بار، وقتی بر آن قرار گرفت، همه شنیدند که آن ستون به ناله درآمد، همان‌طور که شتر فریاد می‌زند و چون دوباره نزد ستون آمد و دست به او کشید، همانند بچه‌ای که از گریه ساکت شود، ساکت شد و طبق روایتی آن را در آغوش گرفت، تا آرام شد.» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۴/۳ و ۱۷۳/۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۱/۳۵۴؛

بیهقی، بی تا: ۳/۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۸۰/۱؛ اربلی، ۱۴۰۵، ۲۴/۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۹/۴۹۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۴/۳۶۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۷۶)

۳-۲. تسبیح، دعا و نیایش جمادات

عالم هستی، یکپارچه زمزمه‌ی قدسی دارند که ملکوتیان، این صدا را از هر سو به خوبی می‌شنوند. آیات بسیاری در قرآن، مانند آیات ذیل، حاوی تسبیح همه‌ی هستی و از جمله سنگ‌ها می‌باشند:

«آسمان‌های هفت گانه و زمین و هرکس که در آن‌هاست، او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار و آمرزنده است.» (إسراء/۴۴)

«آیا ندانستی که خداست که هرکس در آسمان‌ها و هرکس در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است.» (حج/۱۸)

«و کوه‌ها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتم...» (انبیاء/۷۹)

«آیا ندانسته‌ای که هرکه و هرچه در آسمان‌ها و زمین است، برای خدا تسبیح می‌گویند، و پرندگان نیز درحالی که در آسمان پر گشوده‌اند، تسبیح او می‌گویند؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند.» (نور/۴۱)

روایات ماثور از پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و صحابه در تسبیح تمام موجودات، متعدّد و متضمّن دقایق بسیاری است و چون موضوع ما، «فیروزه» است، تنها به ذکر برخی اخبار تسبیح جمادات و سنگ‌ها، بسنده می‌کنیم.

الف. در روایات بسیار و متنوعی، از تسبیح ریگ‌ها در دست پیامبر اسلام ﷺ، گزارش شده به نحوی که صحابیان نیز آن را شنیده‌اند:

«انس گفت ما نزد پیامبر ﷺ بودیم که مشتی ریگ برگرفت و ما صدای تسبیح آن را در دست ایشان شنیدیم.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۶/۱۰۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۲/۴۰۷؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۹/۵۰۴)

«ابوذر گفته: پیامبر تنها نشسته بود که نزدش رفتم و هفت سنگ برداشتم، سنگ‌ها در دست ایشان تسیح و بانگی چون زنبور عسل داشتند.» (بیهقی، ۱۴۰۵: ۶۴/۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۸۶/۱۲؛ سیوطی، ۱۳۲۰: ۷۴/۲)

«ابن عباس گوید: ملوک حضرموت نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: چطور بدانیم که شما رسول خدا هستید؟ ایشان مشتی سنگ ریزه برداشت و گفت این‌ها شهادت می‌دهند. سنگ‌ها در دست ایشان تسیح و شهادت به رسالت دادند.» (سیوطی، ۱۳۲۰: ۲: ۷۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۴۹۳/۹)

ب. در پاره‌ای روایات، سخن از تسیح طعام رسول خدا ﷺ است:

«ابن مسعود: ما با رسول خدا ﷺ طعام می‌خوردیم که صدای تسیح طعام ایشان را می‌شنیدیم.» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۷۱/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۸۵/۴)

«ابن مسعود گفت: با رسول خدا ﷺ در سفر بودیم که دستور به آوردن طعام کردند و آن تسیح می‌گفت.» (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۴۱۷/۱۴)

«انس گفت: برای پیامبر ﷺ، خوراک تریب آوردند و ایشان گفتند: آن تسیح می‌کند. سؤال شد می‌فهمید؟ پیامبر ﷺ گفت: بله. برخی دیگر نیز ظرف غذا را گرفتند و تسیح غذا را شنیدند.» (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۴۹۳/۹؛ سیوطی، ۱۳۲۰: ۷۵/۲)

ج. در پاره‌ای اخبار، سخن از تسیح آب است؛ چنان‌که در روایتی آمده است: «ابن مسعود گفت: ما تسیح آبی را که رسول خدا ﷺ می‌آشامیدند، می‌شنیدیم.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۸۵/۴؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۴۹۳/۹)

د. امامان باقر و صادق علیهما السلام در تفسیر آیه‌ی: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ (اسراء/۴۴)؛ «و هیچ چیز نیست مگر این که در حال ستایش، تسیح خدا می‌گوید.» تصریح کرده‌اند همه‌ی موجودات، از جمله جامدات، مانند دیوار و درخت‌های خشک و چوب‌ها، اهل تسیح‌اند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۹۳/۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۳؛ عروسی حویزی، ۱۳۷۰: ۱۶۸/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۴: ۵۳۷/۳)

هـ. در پاره‌ای از روایات، سخن از تسیح میوه‌هاست. امام صادق علیه السلام گفته‌اند: «جبریل ظرفی از میوه‌ی انار و انگور برای پیامبر ﷺ که بیمار بود، آورد. در هنگام خوردن

پیامبر ﷺ میوه‌ها تسبیح می‌گفتند. سپس امامان حسن، حسین و علی علیهم‌السلام آمدند و از میوه‌ها تناول کردند و آن‌ها تسبیح می‌گفتند.» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰۳/۶)

و. تسبیح جوامد از صحابیان و تابعان نیز نقل شده است:

عبارت: «أبوالدرداء و سلمانُ یا کُلانِ مِنْ صَحْفَةٍ إِذْ سَبَّحَتْ وَ مَا فِيهَا» (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۴۹۳/۹؛ سیوطی، ۱۳۲۰: ۷۵/۲)؛ حاوی تسبیح ظرف و مظروف أبوالدرداء و سلمان است.

عکرمه با عبارات: «الشَّجَرَةُ تُسَبِّحُ وَ الْأَسْطُوانَةُ تُسَبِّحُ وَ لَا يَعِينَنَّ أَحَدُكُمْ ثَوْبَهُ، فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (طبری، ۱۴۱۵: ۱۱۶/۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۴۶/۳)؛ تصریح به تسبیح درخت‌ها، ستون‌ها و لباس‌ها می‌کند.

درباره مطرف بن عبدالله که جزء تابعان و از راویان حضرت علی علیه‌السلام به شمار می‌آید، چنین نقل شده است: «هنگام ورود به خانه، همراه با تسبیح وی، ظروف نیز تسبیح می‌گفتند.» (ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۳: ۹۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۸۵/۴)

۴. چیستی و حقیقت تسبیح

آیات و روایات، حاوی این مطلب است که تمام ذرات هستی، دارای شعورند و همه‌ی موجودات عاقل - اعم از انسان‌های مؤمن، کافر و منافق - و غیر عاقل - همانند خورشید، ماه، ستارگان، سنگ‌ها، کوه‌ها و ... - بدون استثناء، تسبیح و سجده‌ی تکوینی دارند. علامه طباطبایی ذیل آیه‌ی: «وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَّا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (بقره/۷۴)؛ «و برخی از سنگ‌ها از بیم خدا فرو می‌ریزد.» تأکید می‌کند که سنگ‌ها به‌طور تکوینی، امر خدای را می‌فهمند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۳/۱)

فیض کاشانی با عبارت: «فهذا تسبیح فطری و اقتضاء ذاتی نشأ عن تجلّی لهم، فأحْبُوهُ و ابتَعُوا إِلَى الثَّنَاءِ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ تَكْلِيفٍ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۳؛ همو، ۱۴۱۸: ۶۸۲/۱) تأکید می‌کند که چون خداوند در تمام هستی، تجلّی نموده، لذا محبوب آفرینش است و تسبیح موجودات، امری است فطری، تکوینی، ذاتی و آمیخته به تکلف نیست. گرچه تسبیح تکوینی، استثناء‌ناپذیر است، اما بسیاری از انسان‌ها از تسبیح تشریحی، تکلیفی و اختیاری، خودداری می‌کنند؛ چنان‌که آیه‌ی ذیل آن را تأکید می‌کند: «آیا

ندانستی که خداست که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است.» (حج/۱۸)

بی تردید، مقصود از تسبیح موجودات، تسبیح کلامی و حقیقی است و معنای مجازی آن یعنی نظم، انسجام، آینه‌ی صفات کمالیه و جلالیه بودن و خضوع آن‌ها در برابر قوانین و نظامات هستی، مقصود نیست؛ زیرا این‌ها اموری قابل احساس است که با ﴿لَا تَتَّقَهُونَ تَشْبِيحَهُمْ﴾ (اسراء/۴۴)؛ «ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید» همخوانی ندارد. به علاوه در آیه‌ی: ﴿وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ﴾ (انبیاء/۷۹)؛ «و کوه‌ها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم.» بی تردید به «داوود» جز معنای حقیقی نمی‌توان نسبت داد، و از رهگذر وحدت سیاق، باید در مورد کوه‌ها نیز به نحو حقیقت باشد.

علامه طباطبایی ذیل آیه‌ی: ﴿وَ اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ﴾ (اسراء/۴۴) تأکید می‌کند که دلیلی بر معنای مجازی تسبیح، وجود ندارد؛ زیرا حمل مجازی در صورتی جایز است که امکان حمل کلام بر حقیقت نباشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۰/۱۳)؛ از سویی، کلام، تنها لفظ نیست؛ بلکه هر چیزی که کاشف از مقاصد باشد، کلام خواهد بود. در آیات بسیاری (بقره/۷۵، ۱۱۸، ۱۷۴ و ۲۵۳؛ نساء/۱۶۴؛ اعراف/۱۴۳؛ شوری/۵۱)، «کلام» به خدا اسناد داده شده، با این که کلام او از نوع صدا نیست. روش تفهیم و تفهم انسان هم گرچه در اکثر موارد بر استخدام واژگان استقرار یافته است، اما پاره‌ای از مقاصد را با اشاره‌ی دست و سر و چه بسا با نصب علائم، انتقال می‌دهد، که صدق کلام بر آن‌ها نیز غیر قابل تردید است، و در عین حال، کلام انسان، منحصر در طرق فوق هم نیست.

علامه طباطبایی با عبارت: «گونه‌ی قالیاً لا يستلزم أن يكون بألفاظ موضوعة و أصوات مقروعة» (طباطبایی، ۱۱۰/۱۳) بر این مطلب تأکید دارد که تسبیح حقیقی و کلامی موجودات، مستلزم این نیست که با الفاظ شنیدنی و قراردادی ما باشد؛ مسموع نبودن تسبیح هستی و معادن و سنگ فیروزه برای ما، دلیل بر عدم آن نیست. برای انسان، امکان استماع تسبیح هست، لکن باید در درجه‌ی نخست، با نفس و باطن تکامل یافته و نورانی، آن حقیقت درک شود تا حس و گوش هم کلمات حاوی آن معانی را احساس کنند.

به علاوه با توجه به توسیع معنای «کلام»، چون همه‌ی موجودات، خدای متعال را

آگاهانه، منزه از هرگونه نقص، می‌دانند و خود را در مقام ذات، صفات و افعال، هر لحظه نیازمند و قائم به او می‌یابند، همین ادراک، «کلام و تسبیح» آن‌هاست هرچند به گونه‌ی الفاظ شنیداری نباشد. از سوی، همین تسبیح تکوینی و ذاتی، سبب رفع نیاز و تکامل هستی و مجرای ارتزاق آن‌هاست. رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «نوح عليه السلام در هنگام وفاتش به فرزندانش گفت: شما را به تسبیح و حمد خدا امر می‌کنم که آن، نماز همه‌ی موجودات و سبب ارتزاق همه است.» (طبری، ۱۴۱۵: ۱۱۶/۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۴۶/۳)

نتیجه‌گیری

۱. آثار مادی و معنوی فیروزه که در اخبار آمده، گرچه متضاد با عقل و علم نیست، اما می‌تواند فراتر از درک آن دو باشد؛ زیرا ابزار معرفت، در حس و عقل منحصر نیست و آموزه‌های وحیانی نیز منبع شناخت، شمرده می‌شوند.
۲. طبق آیات و اخبار متعدد، جهان هستی از جمله جامدات، از رهگذر تجلی خداوند، دارای حیات و علم‌اند، و به گونه‌ی تکوینی، حقیقی، مقالی و بدون تکلف، به تسبیح قیاض محبوب خود، اشتغال دارند، گرچه به صورت الفاظ اعتباری بشر نمی‌باشد.
۳. پدیده‌های هستی، از نظر قابلیت تسبیح، یکسان نیستند و برخی، از جمله «فیروزه»، از رهگذر این که محصول عالی چند معدن دیگر مانند مس، آهن و آلومینیوم است، از قابلیت بیشتری برخوردار است و به همین جهت، همراه داشتن آن، در حقیقت، همراهی مسیح همیشگی و یکی از جنود الله است که انرژی‌های مثبت، تولید می‌کند. از همین رهگذر پای می‌فشریم بر این که همان‌گونه که دعا، استغفار و شفاعت انسان مأذون و دارای شرایط، در حق دیگران اجابت می‌شود، سنگ فیروزه هم، همان کارکرد را دارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغة

١. ابن أبي الدنيا، عبدالله بن محمد، **الهواتف**، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤١٣ق.
٢. ابن أثير جزري، علي بن محمد، **الكامل في التاريخ**، بيروت: دار الصادر للطباعة و النشر، ١٣٨٦ق.
٣. ابن بطريق، يحيى بن حسن، **عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب إمام الأبرار**، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٧ق.
٤. ابن حبان، محمد، **صحيح ابن حبان**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ق.
٥. ابن حنبل، احمد، **مسند أحمد بن حنبل**، بيروت: دار صادر، بی تا.
٦. ابن خلكان، احمد بن محمد، **وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان**، تحقيق: إحسان عباس، بيروت: دار الثقافة، ١٩٧٢م.
٧. ابن سيرين، محمد، **منتخب الكلام في تفسير الأحلام**، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده، ١٣٥٩ق.
٨. ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابي طالب**، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، النجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
٩. ابن طاووس، عبدالکریم، **فرحة الغري**، تحقيق: تحسين آل شبيب الموسوي، بی جا: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية، ١٤١٩ق.
١٠. ابن عساکر، علي بن حسن، **تاريخ مدينة دمشق**، تحقيق: علي شيرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ق.
١١. ابن كثير، اسماعيل، **تفسير القرآن العظيم**، تصحيح: يوسف عبد الرحمن المرعشي، بيروت: دار المعرفة، ١٤١٢ق.

١٢. اربلي، علي بن عيسى، **كشف الغمّة**، بيروت: دار الأضواء، ١٤٠٥ق.
١٣. حلّي، احمد ابن فهد، **عدّة الدّاعي ونجاح السّاعي**، تصحيح: احمد الموحدى القمّي، قم: مكتبة وجداني، بي.تا.
١٤. أصبهاني، إسماعيل، **دلائل النّبوة**، تحقيق: مساعد بن سليمان، الرياض: دار العاصمة للنشر والتوزيع، بي.تا.
١٥. الإمام العسكري عليه السلام، حسن بن علي، **التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام**، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٩ق.
١٦. أنطاكي، داود، **تذكرة أولى الألباب**، بيروت: المكتبة الثقافية، بي.تا.
١٧. الإيجي، عضد الدين، **المواقف**، تحقيق: عميرة، بيروت: دار الجبل، ١٤١٧ق.
١٨. بحراني، هاشم بن سليمان، **البرهان في تفسير القرآن**، تهران: بنياد بعثت، ١٤١٤ق.
١٩. بخاري، محمّد، **صحيح البخاري**، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر، ١٤٠١ق.
٢٠. برقي، احمد، **رجال البرقي**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ١٣٨٣ق.
٢١. بروجردي، حسين، **جامع أحاديث الشيعة**، قم: منشورات مدينة العلم، ١٣٦٨ش.
٢٢. بصري، احمد بن عبدالرضا، **فائق المقال في الحديث والرجال**، تحقيق: غلامحسين قيصرهها، قم: دارالحديث، ١٣٨٠ش.
٢٣. بيهقي، أحمد بن الحسين، **دلائل النّبوة**، تعليق: عبد المعطى قلعجي، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٢٤. بيهقي، أحمد، **السنن الكبرى**، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر، بي.تا.
٢٥. تبريزي، جواد، **التهذيب في مناسك العمرة والحجّ**، قم: دار التفسير، ١٤٢٣ق.
٢٦. ترمذى، محمد بن عيسى، **سنن الترمذى**، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٣ق.

٢٧. ثعلبي، احمد بن محمد، **الكشف والبيان**، تحقيق: أبي محمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٢ق.
٢٨. جرجاني، علي بن محمد، **شرح المواقف**، مصر: مطبعة السعادة، ١٤٢٥ق.
٢٩. جعفرى، محمدتقى، **تفسير و نقد و تحليل مثنوى جلال الدين محمد مولوى**، تهران: انتشارات اسلامى، ١٣٥٢ش.
٣٠. حر عاملي، محمد، **الجواهر السنّية في الأحاديث القدسيّة**، بغداد: المكتبة العلمية، ١٣٨٤ق.
٣١. _____، **هداية الأمة إلى أحكام الأئمّة**، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.
٣٢. _____، **وسائل الشيعة**، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤١٤ق.
٣٣. حسيني فيروزآبادي، مرتضى، **فضائل الخمسة من الصحاح السنّة**، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ١٣٩٣ق.
٣٤. حلّي، حسن بن سليمان، **مختصر بصائر الدرجات**، النجف الأشرف، منشورات المطبعة الحيدرية، ١٣٧٠ق.
٣٥. حلّي، علي بن يوسف، **العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة**، تحقيق: مهدي رجائي، قم: مكتبة المرعشي النجفي، ١٤٠٨ق.
٣٦. دارمي، عبدالله بن الرحمن، **سنن الدارمي**، دمشق: مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق.
٣٧. دميري، كمال الدين، **حياة الحيوان الكبرى**، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
٣٨. ذهبى، محمد بن احمد، **تاريخ الإسلام**، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دار الكتاب العربى، ١٤٠٤ق.
٣٩. راوندى، قطب الدين، **الخرائج و الجرائح**، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٩ق.

۴۰. رضائیان عطار، مسعود، **خواص سحری و درمانی سنگ‌ها**، تهران: ناشر ادبستان، ۱۳۸۹ش.
۴۱. زرکشی، محمد بن بهادر، **البحر المحيط**، تحقیق: محمد محمد تامر، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
۴۲. زمخشری، جارالله، **ربیع الأبرار و نصوص الأخبار**، تحقیق: عبد الأمير مهنا، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۴۳. سید بن طاووس، **الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان**، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۴۴. _____، **فرج المهموم**، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ش.
۴۵. _____، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، تهران: سنائی، بی تا.
۴۶. سیوطی، عبدالرحمن، **الدّر المشور فی تفسیر المأثور**، قم: مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۷. _____، **کفایة الطالب اللیب فی خصائص الحبیب**، حیدرآباد الدکن: دار الکتب العربی، ۱۳۲۰ق.
۴۸. شوشتری، محمدتقی، **قاموس الرجال**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ق.
۴۹. شوهر برگر، لاندهر، **سنگ‌درمانی**، ترجمه: فرحناز ثنائی موحد، تهران: نشر اهورا، ۱۳۸۸ش.
۵۰. صادقی اردستانی، احمد، **جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث**، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۴ش.
۵۱. صالحی شامی، محمد، **سبل الهدی و الرشاد**، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
۵۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، **ثواب الأعمال**، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۸ش.
۵۳. _____، **علل الشرايع**، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم،

- نجف: منشورات المطبعة الحيدرية، ١٣٨٥ق.
٥٤. _____، **كمال الدين وتمام النعمة**، تصحيح: على أكبر غفّارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٣٦٣ش.
٥٥. طباطبائى، محمدحسين، **الميزان فى تفسير القرآن**، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
٥٦. طبرانى، سليمان، **المعجم الكبير**، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٦ق.
٥٧. طبرسى، فضل بن حسن، **اعلام الورى بأعلام الهدى**، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ١٤١٧ق.
٥٨. _____، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ١٣٧٢ش.
٥٩. طبرسى، حسن بن فضل، **مكارم الأخلاق**، قم: منشورات الشريف الرضى، ١٣٩٢ق.
٦٠. طبرى، محمد بن جرير، **جامع البيان عن تأويل آية القرآن**، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر، ١٤١٥ق.
٦١. طوسى، محمد بن حسن، **الأمالى**، قم: مؤسسة البعثة، ١٤١٤ق.
٦٢. _____، **رجال الطوسى**، تحقيق جواد قىومى، قم: مؤسسة نشر الفقهة، ١٤١٥ق.
٦٣. _____، **الغبية**، تصحيح: عبادالله الطهرانى، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١١ق.
٦٤. ظاهرى، خليل بن شاهين، **الإشارات فى علم العبارات**، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و أولاده، ١٣٥٩ق.
٦٥. عاملى، حسن بن زين الدين، **التحرير الطاووسى**، تحقيق: فاضل الجواهرى، قم: مكتبة المرعشى النجفى، ١٤١١ق.

٦٦. عاملی نباطی، علی، **الصراط المستقیم**، تصحیح: محمدباقر بهبودی، نجف: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٤ق.
٦٧. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ١٣٧٠ش.
٦٨. عطاردی، عزیز الله، **مسند الإمام الرضا** عليه السلام، مشهد: آستان قدس الرضوی، ١٤٠٦ق.
٦٩. عیاشی، محمد بن مسعود، **کتاب التفسیر**، تهران: چاپخانه علمیّه، ١٣٨٠ق.
٧٠. عینی، محمود بن احمد، **عمدة القاری**، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
٧١. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، **روضة الواعظین**، قم: منشورات الشریف الرضی، بی تا.
٧٢. فیض کاشانی، محمد، **الأصفي في تفسير القرآن**، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٨ق.
٧٣. فیض کاشانی، محمد، **تفسیر الصّافی**، تهران: انتشارات الصدر، ١٣٧٤ش.
٧٤. _____، **الوافي**، اصفهان، مکتبة الامام أمير المؤمنين علی عليه السلام العامة، ١٤١٤ق.
٧٥. قبانجی، حسن، **مسند الإمام علی** عليه السلام، بیروت: منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٢١ق.
٧٦. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودّة**، تحقیق: علی جمال أشرف حسینی، قم: دار الأسوة، ١٤١٦ق.
٧٧. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم: مؤسسه دار الکتب، ١٣٦٣ش.
٧٨. کاشف الغطاء، جعفر، **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة**، تحقیق: عبدالحلیم حلّی، مشهد: مکتب الإعلام الإسلامي، ١٣٨٠ش.
٧٩. کشی، محمد، **اختیار معرفة الرجال**، تصحیح و تعلیق: میرداماد استرآبادی، قم:

- موسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٤ق.
٨٠. كفعمى، إبراهيم، **جنة الأمان الواقية وجنة الايمان الباقية**، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤٠٣ق.
٨١. كلينى، محمد بن يعقوب، **الكافى**، تصحيح: على اكبر غفارى، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٣ش.
٨٢. متقى هندی، على، **كنز العمال**، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٨٣. مجلسى، محمدتقى، **روضه المتقين**، تعليق: على پناه الإشتهاردى، قم: بنياد فرهنگ اسلامى كوشان پور، بى تا.
٨٤. مجلسى، محمدباقر، **بحار الأنوار**، تصحيح: محمدباقر بهبودى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
٨٥. مجلسى، محمدباقر، **مرآة العقول**، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٦٨ش.
٨٦. محب الطبرى، أبى جعفر أحمد، **الرياض النضرة فى مناقب العشرة**، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
٨٧. مدير شانہ چى، كاظم، **علم الحديث و دراية الحديث**، قم: انتشارات اسلامى، ١٣٧٩ش.
٨٨. مسكويه رازى، أحمد بن محمد، **تجارب الأمم**، تحقيق: أبوالقاسم امامى، طهران: دارسروش للطباعة و النشر، ١٣٧٩ش.
٨٩. مشغرى العاملى، يوسف بن حاتم، **الدّر النّظيم**، قم المشرفة: مؤسسة النشر الإسلامى، بى تا.
٩٠. مصطفى، ابراهيم و همكاران، **المعجم الوسيط**، طهران: مؤسسة الصادق، چاپ پنجم، ١٤٢٦ق.
٩١. مفيد، محمد بن محمد، **الإرشاد**، بيروت: دار المفيد، ١٤١٤ق.

٩٢. مقریزی، احمد، **إمتاع الأسماع**، تحقیق: محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤٢٠ق.

٩٣. ملکی تبریزی، جواد، **المراقبات**، قم: مؤسسه دار الاعتصام، ١٤١٦ق.

٩٤. نابلسی، عبدالغنی، **تعطیر الأنام فی تعبیر المنام**، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابی الحلبي و أولاده، ١٣٥٩ق.

٩٥. نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر)، **جواهر الکلام**، تحقیق: عباس قوچانی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٣٦٧ش.

٩٦. _____، **نجات العباد فی يوم المعاد**، تحقیق: محمد رضا رضوی، بی جا: ١٣١٨ق.

٩٧. نجفی خمینی، محمدجواد، **تفسیر آسان**، تهران: انتشارات اسلامیة، ١٣٩٨ق.

٩٨. نمازی شاهرودی، **مستدرک سفینه البحار**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤١٩ق.

٩٩. نوری طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت: مؤسسه آل البيت للإحياء التراث، ١٤٠٨ق.

١٠٠. هیثمی، نورالدین، **مجمع الزوائد**، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤٠٨ق.

١٠١. یزدی، محمدکاظم، **العروة الوثقی**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤٢٠ق.

